

منظومه‌های علمی و آموزشی در ادبیات فارسی و بررسی سیر و محتوای آن (تا قرن نهم)*

دکتر مهدی دهرامی^۱

چکیده

بخش قابل توجهی از ادبیات فارسی شامل منظومه‌های علمی است که با اهداف آموزشی سروده شده است. هدف این مقاله بررسی این منظومه‌هاست که از منظرهایی چون مؤلفه‌های این نوع ادبی، دلایل و انگیزه‌های سرایش و سیر آن در ادبیات فارسی بررسی شده است. این نوع ادبیات به نظم علوم مختلف می‌پردازد و اگرچه از عناصر شعری چون وزن و قافیه بهره می‌گیرد، عناصری چون خیال جایگاه بسیار اندک و ثانویه‌ای در آن دارد. دلایلی چون تنوع و گسترش شیوه‌های آموزشی و نقش وزن در ایجاد رغبت به مطالعه و حفظ و به خاطر سپردن موضوعات از عوامل گسترش این منظومه‌ها بوده است. از منظر دسته‌بندی علوم، این منظومه‌ها بیشتر در علوم منقول همچون بلاغت، عروض و لغت است. نخستین اثری که در این حوزه سروده شده قصیده‌ای از ابوالهیثم (اواخر قرن چهارم) است و از قرن هفتم به بعد رواج این منظومه‌ها گسترش قابل توجهی یافته است. از نظر تقسیم‌بندی علوم در گذشته، منظومه‌های آموزشی هم در علوم معقول و هم در علوم منقول سروده شده؛ اگرچه میزان منظومه‌هایی در علوم نقلی مانند کلام، لغت، صرف و نحو و علوم بلاغی بسیار بیشتر از علوم عقلی مانند طب است. البته در لابه‌لای برخی آثار نیز سروده‌هایی دیده می‌شود که می‌توان از مقوله آموزشی محسوب کرد.

کلیدواژه‌ها: ادبیات علمی و آموزشی، علوم معقول و منقول، منظومه‌های علمی.

۱- مقدمه

منظومه با آن که تأنیث منظوم است و از نظر لفظی تقریباً به همان معنای سخن منظوم یعنی «سخن در وزن و ترتیب درکشیده شده و شعر و سخن موزون است (ناظم‌الاطبا، به نقل از دهخدا)، از نظر اصطلاحی معنای متفاوت‌تری دارد و به نوعی خاص از شعر اطلاق می‌شود. در تعریف کلی می‌توان

گفت منظومه در اصطلاح به اشعار بلند روایی یا گاه غیرروایی گفته می‌شود که استقلال و وحدت موضوعی دارد و دارای طرح قبلی است و بیشتر در قالب مثنوی و گاه قوالب دیگر سروده می‌شود. استقلال داشتن منظومه به این معناست که این نوع شعر قابلیت انتشار مستقل دارد و نیاز نیست مانند جنگ و دیوان مشتمل بر مجموعه‌ای از اشعار و قطعات مستقل باشد. مهمترین وجه تمایز منظومه با اشعار دیگر خصوصیت طرح داشتن آن است. این ویژگی منظومه ناظر بر این است که معمولاً سراینده از پیش، طرح و چارچوب آن را در ذهن دارد. این طرح برخی اوقات برگرفته از روایات از پیش موجود است مانند منظومه‌های حماسی و غنایی مختلف یا روایتی است که شاعر می‌سازد. در اشعار غیرروایی نیز شاعر موضوع و طرح کلی اثر و سیر آن را در ذهن خود دارد و بر اساس آن به نظم می‌پردازد؛ مانند گلشن راز شیخ محمود شبستری که شاعر، اثر خود را بر پایه پرسش‌های امیرحسینی طرح می‌اندازد و ده‌ها نمونه دیگر.

بخش قابل توجهی از منظومه‌های فارسی رویکردی آموزشی و علمی دارند. مقصود از این نوع شعر «آموختن حقیقت و علم است و شاعران قالب شعر را یعنی وزن و قافیه و بعضی فوت و فن‌های دیگر شاعری را در خدمت آموزش یک مقصود به کار برده‌اند» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۴: ۸). بر این اساس، منظومه‌های ارزشمندی در ادب فارسی در زمینه‌های مختلف علمی همچون صرف و نحو، بدیع، عروض، طب، لغت و علوم دیگر سروده شده است. جنبه‌های علمی و آموزشی در این منظومه‌ها بر جنبه‌های ادبی و شعری اولویت دارد و به همین خاطر آن‌ها را بیشتر از مقوله نظم باید دانست تا شعر. این منظومه‌ها از حیث محتوا و اهداف و چگونگی بیان در گروه‌های مختلفی جای می‌گیرند. از نظر محتوایی، برخی منظومه‌ها تنها به یک موضوع پرداخته و برخی دیگر چند علم را آموزش داده‌اند و گاه نیز اگرچه علوم مختلفی در آن‌ها مندرج است، یک علم بر دیگر علوم چیره شده است.

۱-۱- بیان مسئله

بسیاری از منظومه‌های فارسی در راستای مقاصد آموزشی و به خاطر سپردن علوم مختلف مانند صرف و نحو، طب، ریاضیات و غیره سروده شده است. این آثار را می‌توان ادب آموزشی نام نهاد که در ادبیات فارسی نمونه‌های فراوانی در موضوعات مختلف دارد. کوشش اصلی این مقاله آن است که نشان دهد این منظومه‌ها در تاریخ ادبیات فارسی چه سیر و جایگاهی دارد، دلیل روی آوردن به متون

آموزشی در دوره‌های مختلف و انگیزه سرایش آن‌ها چیست، جایگاه این علوم در آموزش چگونه بوده است، مؤلفه‌های سازنده آن‌ها چیست و از نظر محتوایی شامل چه علمی است.

۲-۱- پیشینه تحقیق

تا کنون برخی تحقیقات در حوزه ادب آموزشی نگاشته شده؛ از جمله «نصاب الصبیان و تقلیدکنندگان آن» به قلم جواد سلماسی زاده و نیز مقاله «نصاب انگلیسی فرهاد میرزا» نوشته محمودی بختیاری. در این تحقیقات تنها به نصاب الصبیان یا برخی از آثار خاص آموزشی پرداخته شده اما تا جایی که نگارنده می‌داند، ویژگی‌های آن از منظر نوع ادبی، دلایل و انگیزه‌های سرایش و سیر ادب آموزشی چه از نظر تاریخی و چه محتوایی بررسی نشده است.

۲- منظومه‌های آموزشی از منظر نوع ادبی

ادبیات تعلیمی یکی از انواع کهن و گسترده ادبیات فارسی است. این نوع ادبیات مورد توجه نویسندگان ایرانی قبل از اسلام نیز بوده و رگه‌هایی از آن در ادبیات بعد از اسلام نیز جاری شده است. از جمله کتاب آیین‌نامک که مجموعه‌ای بوده است از تعالیم اخلاقی و فرهنگی و آداب و رسوم، آداب رزم و سوگواری و شادی‌ها و... که بسیاری از نویسندگان دوره اسلامی از آن در آثار خود بهره برده‌اند (رک: بهار، ۱۳۸۲: ۵۰). موضوع این نوع ادبیات، تعلیم دادن در همه انواع آن، اعم از تعلیمات اخلاقی، مذهبی یا دانش‌ها و حرفه‌های مختلف است. از همین منظر، ادب تعلیمی عرصه کاربرد بسیار گسترده‌ای دارد اما به طور کلی در دو دسته جای می‌گیرد: «به جز آثاری که در راستای تعلیم و به خاطر سپردن علوم مختلف مانند صرف و نحو، طب، ریاضیات و امثالهم سروده می‌شده، بسیاری از آثار ادبی نیز موضوع یا اندیشه‌ای را به مخاطب انتقال می‌دهند و مخاطب از خواندن آن دیدگاهی خاص به دست می‌آورد» (خلیلی جهانتیغ و دهرامی، ۱۳۹۰: ۴۳). می‌توان آن بخش از ادب تعلیمی را که دانشی را به مخاطب تعلیم می‌دهد ادب آموزشی نام نهاد که در ادبیات فارسی نمونه‌های فراوانی در موضوعات مختلف دارد.

کمتر سروده‌ای است که خالی از مباحث علمی باشد، چرا که در گذشته شاعران از علوم و فنون زمانه بی‌بهره نبوده‌اند. نظامی عروضی می‌گوید: «اما شاعر باید ... در انواع علوم متنوع باشد و در اطراف رسوم مستطرف، زیرا چنان که شعر در هر علمی به کار همی شود، هر علمی در شعر به کار

همی شود» (نظامی عروضی، ۱۳۸۰: ۴۷). این موضوع توصیه‌ای بوده که علمای دیگر نیز داشته‌اند. شمس قیس می‌گوید: «شاعر در جودت خویش به بیشتر علوم و آداب محتاج باشد و بدین جهت باید که مستطرف بود و از هر باب چیزکی داند تا اگر به ایراد معنی‌ای که فن او نباشد محتاج شود، آوردن آن بر وی دشوار نشود» (قیس رازی، ۱۳۱۴: ۳۴۷). اگرچه در ادب آموزشی از علوم و دانش‌های مختلفی بحث می‌شود، هر سروده‌ای را نمی‌توان از حوزه ادب آموزشی محسوب کرد. این نوع ادبیات دارای ویژگی‌ها و مؤلفه‌های خاص خود است. نخست آنکه باید در این نظم، علمی را آموزش داده باشند. شاعری که عقاید و یا رویکردی حکمی و منطقی دارد و از استدلال‌ها و قیاسات خود تناسخ خیالی در راستای مقاصد شعری می‌سازد، با آن که ممکن است شعر او مملو از اصطلاحات علمی باشد، باز سروده او از این مقوله محسوب نمی‌شود. وقتی انوری می‌گوید:

وجود جود و سخا بی کف تو ممکن نیست نه ممکن است عرض در وجود بی جوهر
شمر ز تربیت جود او شود دریا عرض به تقویت جاه او شود جوهر

(انوری، ۱۳۷۶: ۸۹)

شاعر اصطلاح جوهر و عرض را برای تقویت مضمون و اغراض شعری خود به کار گرفته است نه آن که آن‌ها را آموزش داده باشد. مهم‌ترین تفاوت ادب آموزشی منظوم از اشعار دیگر، هدف سراینده است که وی از ایجاد نظم خود آموزش و تعلیم دانشی خاص یا طلب کسب حقیقت را مد نظر قرار می‌دهد. اگر شاعری احادیثی را به نظم آورد، از مقوله ادب آموزشی نیست و بیشتر جنبه اخلاقی دارد، اما اگر مباحثی را در مورد علم حدیث و شرایط و ویژگی‌های آن به نظم بیان کند، ادب آموزشی محسوب می‌شود.

ویژگی دیگر منظومه‌های آموزشی چگونگی و میزان استفاده از عناصر شعری است. منظومه‌های علمی برخی از عناصر شعری را مانند وزن و قافیه و نظم و انضباط‌های شعری به خدمت گرفته است اما عناصری چون خیال، جایگاه بسیار اندک و ثانویه‌ای در آن دارد و اگر تصویری به کار می‌رود، به قصد ارزش‌های زیباشناختی تصویر نیست، بلکه به قصد رساندن بهتر مقصود است. از حیث استفاده از عنصر مهم و زیربنایی عاطفه نیز که انتقال آن از مهم‌ترین اهداف ادبیات است، ادب آموزشی با دیگر اشعار متفاوت است، چرا که جز استفاده از موسیقی که به گونه‌ای در بر دارنده عاطفه است، شاعر تلاشی برای انتقال عاطفه نمی‌کند. زبان و لحن گوینده در ادب آموزشی صریح و خشک و

یک‌نواخت است. از همین منظر، در ادب آموزشی، شفافیت و بیان مستقیم و دوری از نماد و چندمعنایی وجود دارد. براین اساس، اشعاری مانند قصیده عینیه ابن سینا یا *سیر العباد الی المعاد* سنایی که تمثیلی و نمادین محسوب می‌شوند، از این مقوله به شمار نمی‌روند.

۳- دلایل گرایش به متون منظوم آموزشی

یکی از مهمترین دلایل رواج ادب آموزشی منظوم، جنبه موسیقایی آن است و به تعبیر ابونصر فراهی: «خوش آمدن شعر بر طبع‌های موزون غریزی است» (فراهی، ۱۳۷۴: ۴) و همین امر از سختی و صعوبت و خشونت مباحث علمی می‌کاهد و به گفته وی «به نوشتن و خواندن آن هرکس را رغبتی افتد» (همان). هدف رشیدالدین وطواط از سرایش منظومه خود در عروض نیز آسان ساختن آموزش آن بوده، آن‌چنان که در مقدمه آن آمده است: «این رساله عروض اشعار است که رشیدالدین ... نوشته و نظم کرده تا بر خوانندگان آسان باشد» (وطواط، ۱۳۲۴: ۶۸). از سویی وزن نقش موثری در حفظ و به خاطر سپردن موضوعات نیز دارد زیرا قالب و ظرفی واحد و نسبتاً محدود در هریت ایجاد می‌کند و گوینده مجبور است تا جای ممکن از ورود واژگان غیرضروری بکاهد و گزاره علمی را موجز و مفید بیان کند. قالب وزن و قافیه نوعی نظم و ترتیب در واژگان ایجاد می‌کند و گزاره‌ای عمیق‌تر را در ذهن مخاطب جای می‌دهد و به او در یادآوری مطلب یاری می‌رساند. از همین منظر است که حفظ متون شعر به مراتب آسان‌تر از متون نثر است و کمتر فردی آشنا به ادبیات است که ابیاتی حفظ نباشد اما ممکن است سطری از آثاری چون *کللیه و دمنه و تاریخ بیتهقی* با همه ادبیت آن‌ها، در خاطر نداشته باشد. باید توجه داشت این منظومه‌ها تنها برای کودکان و نوآموزان نبوده که وزن موجب ایجاد رغبت در یادگیری باشد؛ چرا که علوم دشواری مانند طب نیز که آموزش آن فراتر از کودکان است به نظم درآمده است تا قوانین به صورت عمیق‌تر و دقیق‌تری در ذهن مخاطب جای گیرد.

نکته دیگر که در رواج این منظومه‌ها نقش داشته، گسترش شیوه‌های آموزشی است. این منظومه‌ها از قرن هفتم به بعد گسترش شایانی یافت. از یک سو در این قرون، موضوع تهیه کتاب از نظر درسی متناسب با گروه‌های مختلف سنی بسیار مورد توجه قرار گرفته و از سوی دیگر حتی تصوف به سمت علمی شدن و جنبه تعلیمی یافتن و از حال به قال رفتن متمایل شده بود. در قرن هفتم که شروع رواج منظومه‌های مستقل آموزشی است، جنبه آموزشی و مدرسه‌ای شدن علوم

موجب شد برخی به سمت تلخیص آثار و ارائه شیوه‌ای مناسب برای انتقال مباحث علمی بروند. برخی از علما با تلخیص کتاب و محدود ساختن علوم مخالفت نشان داده‌اند. ابن خلدون معتقد است: «در این روش ذهن دانشجو سخت مشغول و گرفتار تتبع و جستجوی الفاظ کوتاه و مختصری می‌شود که فهم آن‌ها دشوار است، از این رو که معانی بسیاری در الفاظ گنجانیده شده و استخراج از میان آن‌ها مشکل است ملکه‌ای که به سبب تعلیم از این کتب مختصر به دست می‌آید به فرض که به طور استواری حاصل شود و آسیبی بدان نرسد، نسبت به ملکاتی که از موضوعات مبسوط مطول به دست می‌آید ملکه‌ای قاصر و نارساست» (ابن خلدون، ۱۳۳۶، ج ۲: ۳۱۶). البته جنبه آموزشی به خصوص برای اطفال، نیازمند تلخیص و از گذشته رایج بوده است. ابن ندیم از چند کتاب از جمله مختصر نحو اثر محمد بن ابومحمد یزیدی و مختصر النحو للمتعمین ابوعمر صالح بن اسحاق جرمی نام می‌برد که مورد نخست برای آموزش به فرزندان مأمون نگاشته شده است (رک: ابن ندیم، ۱۳۸۱، ج ۱، ۸۸ و ۹۸). یکی از شیوه‌هایی که در تلخیص و انتقال بهتر علمی چون صرف و نحو و علوم بلاغی از قرن هفتم به کار گرفته شد، ساخت منظومه‌های آموزشی بود. وجود تقلیدهایی که از این شیوه به خصوص نصاب الصبیان شد، نشان می‌دهد این شیوه، در جامعه آموزشی مقبول بوده تا جایی که به عنوان مثال منظومه فراهی «پیوسته در مکاتب و مدارس از کتب درسی بوده است» (فراهی، ۱۳۷۴، مقدمه: ۱).

۴- انگیزه سرایش منظومه‌های آموزشی

موضوع دیگری که در خصوص شکل‌گیری و رواج منظومه‌های آموزشی قابل توجه است، انگیزه سرایش آن‌هاست. دلایل سرودن این منظومه‌ها مختلف است و بسیاری از آن‌ها جنبه‌ای سفارشی دارد و دوستان و آشنایان و بزرگان حکومتی از صاحب اثر خواسته‌اند آن را بسراید و برخی نیز البته به خواست و تمایل شخصی ناظم بدون سفارش گرفتن است. ابونصر فراهی کتاب خود را به فرمان نظام‌الملک حسن، وزیر بهرامشاه سروده است. این موضوع نشان می‌دهد تنها تمایل شخصی گوینده نقش نداشته و عوامل ثانویه‌ای نیز مؤثر بوده است. این منظومه‌ها نه تنها مورد توجه شاعران و طبقات علمی جامعه بوده، امیران نیز به آن‌ها گرایش داشته‌اند؛ آن‌چنان که ناصر خسرو جامع‌الحکمتین خود را که شرح قصیده علمی و آموزشی ابوالهثیم است، به خواش عین‌الدوله ابوالمعالی علی بن حارث،

امیر بدخشان نگاشته است و این موضوع نشان می‌دهد این امیر به قصیده مذکور توجه داشته و ذهن او درگیر پرسش‌های عمیق ابوالهثیم شده است.

بسیاری از این آثار اگرچه به امیری اهدا شده، انگیزه سرایش آن‌ها شخصی بوده است. حسن متکلم صاحب منظومه بحر الصنایع اگرچه اثر خود را به گفته دولتشاه به نام ملک غیاث‌الدین کرت کرده (دولتشاه، ۱۳۱۸: ۲۰۱)، آنچنان‌که از مقدمه دانسته می‌شود هدفش نشان دادن قدرت و مهارت خود و ادعای برتری نسبت به رشیدالدین و طواط بوده است:

«اگرچه بد در این فن چست و طواط چنانک اندر علوم نبض بقراط
ولی و طواط مرغی بس حقیر است به چنگ همچو تو بازی اسیر است
مگو کین دعوی من بس عظیم است که فوق کل ذی علم علیم است»
(به نقل از شکیبافرد، ۱۳۸۸: ۱۳۴)

میسری نیز اگرچه اثر خود را که دانشنامه‌ای منظوم در طب است به امیری به نام ناصرالدوله تقدیم کرده، دلیل سرودن منظومه را خواست و نیت خود و ماندگاری نامش و کسب دعای نیک خوانندگان دانسته است:

من این نامه به کام دل بگفتم بسی علم اندر این نامه نهفتم ...
مگر این نامه من دیر ماند پس از من تا کسی این را بخواند
مرا یاد آورد ز ایزد بخواهد ز درد و محنت و رنجم بکاهد
(میسری، ۱۳۷۳: ۲۶۶ و ۲۶۹)

ناظم برخی از این منظومه‌ها به خصوص منظومه‌های کوتاه به انگیزه خود اشاره‌ای نکرده‌اند و بعید به نظر می‌رسد امیری یا بزرگی آن‌ها را به سرودن این منظومه‌های کوتاه تشویق کرده باشد. به نظر می‌رسد چنین منظومه‌هایی (مانند منظومه گهریال امیر خسرو) بیشتر از باب تفنن بوده است.

۵- سیر منظومه‌های آموزشی

پیش از بررسی سیر ادب آموزشی، ضروری است مختصری در مورد علوم در گذشته و طبقه‌بندی آن‌ها آورده شود تا بر اساس آن مشخص شود ادب آموزشی منظوم بیشتر در چه حوزه‌هایی از علوم به وجود آمده است.

با گسترش اسلام، شکل‌گیری نهضت ترجمه، ورود اندیشه‌ها و علوم مختلف و به طور کلی پیشرفت علوم و دانش‌های مختلف، طبقه‌بندی علوم نیز ضرورت خاصی یافت. دانشمندان و حکمای اسلامی علوم را به شیوه‌ها و دسته‌های مختلفی تقسیم کرده‌اند. از جمله فارابی در *احصاء العلوم* دانش‌های مختلف را به شش دسته تقسیم کرده، قطب‌الدین رازی در *دره التاج*، علوم را به دو دسته حکمی و غیرحکمی تقسیم کرده و مانند این افراد، بسیاری از دانشمندان از جمله ابن ندیم، ابن سینا، خواجه نصیرالدین طوسی و امثالهم نیز به تقسیم‌بندی علوم اقدام کرده‌اند. در این مقاله بر پایه تقسیم علوم به دو دسته معقول و منقول که ابن خلدون نیز به آن اشاره کرده، توجه شده است. انسان به یاری اندیشه خود به علوم عقلی رهبری می‌شود و علوم نقلی را از کسانی که وضع کرده‌اند، فرامی‌گیرد. علوم نقلی شامل علم قرائت، حدیث، تفسیر، فقه، کلام، تصوف، دانش‌های لسانی همچون لغت، نحو، بیان و علوم ادبی است و علوم عقلی نیز چهار دانش منطقی، دانش‌های طبیعی، ما بعد الطبیعی و مقادیر را شامل می‌شود. هریک از این شاخه‌ها، زیرشاخه‌های دیگری نیز دارد، از جمله طب و فلاح و الهیات زیرمجموعه دانش‌های طبیعی است و موسیقی و هیئت و عدد و هندسه زیرشاخه‌های مقادیر است (رک: ابن خلدون، ۱۳۳۶، ج ۲: ۲۳۰-۱۵۰).

بسیاری از این دانش‌ها به صورت منظومه‌های آموزشی نیز تعلیم داده شده است. رواج اصلی منظومه‌های آموزشی از قرن هفتم هجری است اما در پیش از آن نیز اشعاری دیده می‌شود که از مقوله ادب آموزشی محسوب می‌شود. این منظومه‌ها از نظر تقسیم‌بندی علوم در هر دو حوزه علوم عقلی و نقلی سروده شده که البته بار علوم منقول بیشتر است که ما به دلیل محدودیت حجم تنها به این بخش اکتفا می‌کنیم اما این به معنای وجود نداشتن علوم معقول منظوم نیست، از همین روی در پایان اشاره‌ای به آن خواهیم داشت.

۶- منظومه‌های آموزشی منظوم در علوم منقول

مجموعه‌های آموزشی منظوم در علوم منقول در علم‌هایی مانند کلام و دانش ادبی عروض، بلاغت و لغت است.

۶-۱- کلام اسماعیلیه موضوع قدیمی‌ترین منظومه آموزشی در ادب فارسی

به نظر می‌رسد قدیمی‌ترین سروده‌ای به زبان فارسی که رنگ و بوی علمی و آموزشی دارد، قصیده‌ای از ابوالهثیم (احمد بن حسن جرجانی) است که در اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم می‌زیسته است. قابل ذکر است اگرچه آنچنان که در ادامه خواهیم گفت پیش از آن، کتاب *دانشنامه حکیم* میسری که سال سرایش آن را با اختلاف نظر میان ۳۶۷ و ۶۶۷ محسوب می‌کنند، می‌توان از یک نگاه، قدیمی‌ترین اثر آموزشی دانست اما از آنجا که به قطع و یقین نمی‌توان سال ۳۶۷ را محسوب کرد، عجلتاً قصیده ابوالهثیم را نخستین اثر آموزشی در نظم گرفته‌ایم. از وی تنها همین یک قصیده باقی مانده که در آن سؤالاتی در مسائل مختلف اسماعیلیه بیان شده است. وی پاسخ آن‌ها را ذکر نکرده و همین امر موجب شده شرح‌هایی بر آن بنگارند. نخست بار شاگرد او محمد بن سرخ نیشابوری آن را شرح کرده است. بعد از او *جامع الحکمتین ناصر خسرو* قرار دارد که در واقع پاسخی به آن پرسش‌هاست. این قصیده دارای هشتاد و دو بیت و مشتمل بر نود و یک سؤال است و از خیال بهره چندانی نبرده و لحنی علمی دارد. ابیاتی از این قصیده که در *جامع الحکمتین* آمده ذکر می‌شود:

یکی است صورت هر نوع را و نیست زینت گذار چرا که هیئت هر صورتی بود بسیار
 ز بهر چیست که جوهر یکی و نه عرض است نه ده شد و نه بهشتش بود نیز قرار
 اگر طبیعت کلی به اولیت حال مرا بگویی دانم که هستی از ابرار
 کدام جنس نه نوع و کدام نوع نه جنس کدام جنس یکی بار و نوع دیگر بار
 شکستن سُرْب الماس و سنگ آهن کش چه علت است مر این هردو را چنین کردار
 روا بود نخست آسمان پدید آمد که او قوی‌تر و آنکه زمین و کوه و بحار؟
 وجود کل روا هست و جزو او معدوم اگر رواست ابا حجتی به من بسپار

(ناصر خسرو، ۱۳۶۳: ۲۰-۱۹)

بر این اساس، آغازگر ادب آموزشی را می‌توان اهل مذهب اسماعیلیه دانست که این بی‌ارتباط با اهداف تبلیغی آن‌ها و جذب بیشتر مخاطب نیست. یکی از شیوه‌های اسماعیلیان در تبلیغ این بوده که ابتدا پرسش‌هایی مطرح و سپس با تحریک حس کنجکاوی مخاطب، پاسخ آن‌ها را بیان می‌کردند. این گروه از خصوصیات اثرگذاری نظم در راستای اهداف آموزشی خود نیز بهره برده‌اند. قصیده ابوالهثیم از منظر فلسفی بودن و ساختار پرسشی آن منحصر به فرد است. شخصیت دیگری که می‌توان وجوهی از ادب آموزشی را در آثار او مشاهده کرد، ناصر خسرو است که به گواه آثار او در علوم منقول و معقول و کلام و حکمت یونان تبحر داشته است. بعد از تغییر حال، و وارد شدن به مذهب اسماعیلیه، عقاید این مذهب در او تأثیر نهاده و او به نوعی سخن‌گو و مبلغ این مذهب گشته و مانند معلمی شده که اغراض آموزشی را از اهداف اصلی خود دانسته است. در پاره‌ای از قصاید او اصطلاحات و عقاید اسماعیلی دست‌مایه شعری برای ساخت تصاویر و مضمون‌سازی قرار نگرفته بلکه در هیئت واقعی و به قصد آموزش بیان شده است و خیال جایگاه دوم را در این اشعار دارد و گاه اصلاً نشانی از خیال نیست:

همی گویی که بر معلول خود علت بود سابق چنان چون بر عدد واحد، و یا بر کل خود اجزا
 همی گویی زمانی بود از معلول تا علت پس از ناچیز محض آورد موجودات را پیدا
 خرد دان اولین موجود زان پس نفس و جسم آن‌گه نبات و گونه حیوان و آن‌گه جانور گویا
 همی هر یک به خود ممکن بد و موجود ناممکن همی هر یک به خود پیدا بد و معدوم ناپیدا
 چو در تحدید جنبش را همی نقل مکان گویی و یا گردیدن از حالی به حالی دون یا والا
 چو نه گنبد همی گویی به برهان و قیاس آخر چه گویی چیست از بیرون این نه گنبد خضرا
 اگر بیرون خلاً گویی خطا باشد که نتواند بدو در صورت جسمی بدین سان گشته اندروا
 اگر گویی ملا باشد روا نبود که جسمی را نهایت نبود و غایت به سان جوهر اعلا

(ناصر خسرو، ۱۳۵۷: ۱)

۲-۶- آموزش منظوم عروض

از دیگر علومی که پیش از قرن هفتم به صورت منظوم آموزش داده شده عروض است. علمای بلاغت ایجاد اصول و ضوابط منسجم عروض را که لازمه شاعری است به خلیل ابن احمد فراهیدی (متوفی ۱۷۰) نسبت می‌دهند که توانست قواعدی استوار برای این علم بنا نهد که هنوز نیز رایج است. علم عروض از مهمترین علوم ادبی است که آثار فراوانی در آموزش آن نگاشته شده است. از مهمترین آن‌ها *المعجم شمس قیس رازی* حدود سال ۶۳۰ و *معیار الاشعار* خواجه نصیرالدین طوسی باز در همین قرن است. برخی نیز از نظم در آموزش این علم بهره گرفته‌اند. عروض شاید مناسب‌ترین علمی باشد که بتوان از طریق نظم آموزش داد؛ زیرا در منظومه‌های آموزشی، وزن عروضی هم مورد آموزش است و هم بستری برای آموزش. شاید از همین منظر باشد که این علم قبل از رواج منظومه‌های آموزشی در قرن هفتم وجود داشته است. قدیمی‌ترین اثری که در این زمینه وجود دارد، منظومه‌ای از رشید وطواط (م ۵۷۳ ق.) است که نسخه‌ای از آن در موزه بریتانیا وجود دارد و سال ۱۳۲۴ نیز به چاپ رسیده است. از این نظر این اثر اگرچه به نظم است، از آثار مشهور در علم عروض به زبان فارسی (*المعجم و معیار الاشعار*) قدمت بیشتری دارد. ابیاتی از این منظومه چنین است:

رمل مخبون را هست لطافت به کمال چو بپرسند تو تقطیع چنین گو همه سال
 فعالتن فعالتن فعالتن فعالات ای مبارک قدم خوش سخن نیکوفال
 (وطواط، ۱۳۲۴: ۶۹)

در دوره‌های بعد نیز آموزش این علم از طریق نظم مورد توجه قرار گرفت که در ادامه خواهد آمد.

۳-۶- علم لغت

علم لغت عبارت است از «بیان موضوعات لغوی ... و از بیم آن که مبدا لغت عرب دستخوش زوال گردد و مسلمانان از فهم قرآن و حدیث محروم شوند به تدوین آن همت می‌گماشتند. نخستین کسی که بدین میدان گام نهاد، خلیل بن احمد فراهیدی بود» (رک: ابن خلدون، ۱۳۳۶، ج ۲: ۳۳۹). اهمیت زبان عربی و ضرورت یادگیری آن برای متعلمان فارسی موجب شد فرهنگ‌های دوزبانه عربی به

فارسی نیز نگاشته شود. قدیمی‌ترین فرهنگ عربی به فارسی را *البلغه المترجم فی اللغة* (سال ۴۳۸ ق.) از مؤلفی نامعلوم می‌دانند (رک: منزوی، ۱۳۳۷: ۲۶۵). برخی نیز برای سهولت در یادگیری، بعضی واژگان مهم را به صورت منظوم به فارسی معنا می‌کردند. بدیهی است این فرهنگ‌ها همه واژگان یا حجم وسیعی از واژگان را به فارسی برنگردانده‌اند. شروع این نوع فرهنگ‌ها از قرن هفتم هجری است. برخی نخستین کسی را که فرهنگ منظوم نگاشت ابونصر فراهی در قرن هفتم می‌دانند. (رک: منزوی، ۱۳۳۸: ۸۴). کتاب معروف او یعنی *نصاب الصبیان* ابتدا دارای دویست بیت بوده و از آنجا که حد نصاب زکات شرعی نقره دویست درهم است، این اثر نیز بر حسب تعداد ایات آن نصاب نامیده شده است. شیوه ابونصر مورد تقلید بسیاری قرار گرفته و روش نصاب‌نویسی را در ادب آموزشی باب کرده است. از جمله آن‌هاست: *تجنیس الالفاظ* از امیر خسرو، *سلک الجواهر* از انگوری، *نصیب الاخوان* از مطهر، *محمدیه* از بهاء‌الدین، *مرقاب الارب* از احمدی کرمانی، *تحفه عالی* از ابن بواب، *تحفه الفقیر*، کاتبیه از کاتبی انقروی، *نصاب حسنی*، *مثلثات* از بدیعی، *فتحیه* از ابوالفتح حجازی، *نصاب معروف* از معروف، *ابواب العلوم* از درویش جامی، *فتیه الفتیان* از صدرالدین بن بدر. علاوه بر نصاب‌های عربی به فارسی از زبان‌های دیگری همچون هندی، ترکی، انگلیسی و فرانسوی به فارسی نیز آثاری به شیوه *نصاب الصبیان* سروده شده است (برای آشنایی بیشتر با این آثار رک: منزوی، ۱۳۳۸: ۱۲۸-۸۴).

البته علاوه بر ترجمه لغات عربی به فارسی، موضوعات مختلفی در برخی از این آثار به نظم آموزش داده شده از جمله عروض، اصطلاحات نجومی، قواعد صرف و نحو، بدیع، برخی اصطلاحات موسیقی، شناخت چهارپایان و غیره. فراهی اشعار این کتاب را در چند وزن مختلف عروضی سروده و در آغاز هر بخش، وزن آن را نیز بیان کرده و از این طریق عروض را نیز خلاقانه آموزش داده است.

زهره‌الادب اثر شکرالله بن شمس‌الدین احمد در اواسط قرن هفتم نیز علاوه بر لغات مسائل مختلفی از قبیل کواکب سیار، اقلیم‌های هفتگانه، حروف ناصب، اشکال رمل، سرکنگین و کیفیت آن، هشت بهشت، نهرهای بهشت، هفت دوزخ، اوقات معالجه و غیره نیز به نظم ذکر شده است (رک: صفا، ۱۳۶۹، ج ۳: ۲۸۴). اثر دیگری که در آن علوم مختلفی به نظم آمده *لاسی عمان* یا *جوهر خسروی* از امیر خسرو دهلوی است. این اثر شامل بخش‌های نصاب بدیعی، نظم گهریال، رباعیات

پیشه‌وران، خالق باری و چیستان است که بخش‌هایی از آن کاملاً در حوزه ادب آموزشی است. به عنوان مثال در بخش نصاب آمده است:

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلان بشنوید این قطعه در بحر رمل ای بخردان
 مصر شهر و شهر ماه و ماء آب و خوف سهم سهم تیر و اجنحه چه بال باشد بال جان
 شعر بیت و بیت خانه روح جان و جان چه مار نحن ما ما آب و نون ماهی و ماهی چیست آن
 لهو بازی باز صید و باب در در نکویی و غنیمت خیر و شر را عکس دان
 (امیر خسرو، ۱۳۳۶: ۱-۲)

در این اثر علاوه بر معرفی برخی اوزان، به ترجمه برخی لغات عربی به فارسی نیز پرداخته شده و گاه معنای لغت بلافاصله بعد از آن آمده و گاه در یک مصراع چند واژه عربی و در مصراع دیگر معنای آن‌ها به صورت لف و نشر آمده است. بخش‌های دیگر آن معرفی صنعت‌های ادبی چون اعنات، ترصیع، جناس و غیره است. در منظومه گهریال که کوتاه و نه بیت است چگونگی محاسبه زمان روز از طریق انگشتان است:

گر کسی پرسد ای خردافروز که چه رفت و چه مانده است از روز
 تو بگویش بگیز ز انگشتم آن یکی را که خواهی از دستم [مشتم]
 گر نر انگشت گیردت بی شک ده بود یا که چارده یا یک
 ور بگیزد سر شهادت تو شش بود یا که یازده یا دو
 (همان: ۳۲)

۶-۴- علوم بلاغی منظوم

با ظهور اسلام و نزول قرآن، مسلمانان مجذوب بلاغت و فصاحت قرآن شدند. جنبه اعجاز قرآن از منظر فصاحت و بلاغت ذهن علمای اسلامی را به خود مشغول کرد و مسلمانان به مرور به سمت تبیین وجوه اعجاز قرآن از این منظر سوق یافتند. بررسی جنبه‌های بلاغی قرآن از گذشته مورد توجه و تأکید علمای بلاغت بوده است تا حدی که علوم اسلامی که تعداد آن را متجاوز از سیصد عنوان می‌دانند مستقیم یا غیرمستقیم از قرآن نشأت گرفته است (رک: جرجی زیدان، ۱۹۸۳م، ج ۱: ۳۸). از

این میان، علوم بلاغی که در واقع هدف آن‌ها تبیین وجوه اعجاز هنری قرآن بود، به همت افرادی مانند ابن معتر (متوفی ۲۹۶ ق.)، ابوهلال عسگری (متوفی ۳۹۵ ق.)، عبدالقاهر جرجانی (متوفی ۴۷۱ ق.) و سکاکی (متوفی ۶۲۵ ق.) با الگوبرداری از جنبه‌های فصاحت قرآن به انسجام و پختگی کامل رسید و معیارها و اصول و قواعدی برای بررسی بلاغت وضع گردید که از آن‌ها در ارزیابی آثار ادبی از جمله شعر نیز استفاده شد. در زبان فارسی، قدیمی‌ترین اثری که در این علم موجود است ترجمان البلاغه رادویانی است. ضوابط علم بلاغت در آثار مختلف علمای بلاغت آمده و برخی نیز سعی کردند آن‌ها را در قالب نظم آموزش دهند. به نظر می‌رسد قدیمی‌ترین اثر منظوم در علم بلاغت، منظومه بحر الصنایع از شاعری به نام حسن متکلم باشد که اثر خود را در سال ۷۳۱ سروده است. اقبال در مقدمه حقائق السحر تألیف کتابی به این اسلوب را غریب دانسته، می‌گوید: «یک دوره علم بدیع است به نظم فارسی یعنی هم تعریف‌های صنایع به نظم است و هم مثال‌ها» (اقبال، بی‌تا: سح). شکلیافر این اثر را بر اساس دو نسخه تصحیح کرده است. از ابیات این منظومه است در معرفی آرایه (موشح):

موشح در دری ای یار پیوند بود سربند خاتونان دلبند
و این صنعت چنان باشد که قایل بیارد بیت‌هایی در اوایل
که چون جمع‌آوری جمله به یک جا بیایی معنی دیگر در آنجا
که آن رمزی بود یا بیتکی خوب و یا نام محب و اسم محبوب
(شکلیافر، ۱۳۸۸: ۱۴۰)

از دیگر آثار این علم می‌توان به منظومه جامی اشاره کرد که در چگونگی ساخت معماگویی در

بیت سروده است:

که اعمال معمایی سه قسم است که هر یک گنج اسما را طلسم است
یکی اعمال تحصیلی که از وی به تحصیل حروف آرد خرد پی
دوم آن‌ها که در تکمیل صورت بود صاحب معما را ضرورت
(صفا، ۱۳۶۹، ج ۴: ۱۱۹)

۷- منظومه‌های آموزشی در علوم معقول

برخی از دانشمندان و شعرای فارسی منظومه‌هایی را در علوم معقول سروده‌اند که بیشتر در علم طب است و البته نمی‌توان در مورد اصالت برخی از آن‌ها اظهار نظر قطعی کرد. علم طب جایگاه بلندی میان مسلمانان داشته و از ضروریات شهرهای متمدن بوده و بعد از اسلام نیز گسترش زیادی یافته است. اگرچه بیشتر آثار به زبان عربی بوده، مانند *قانون ابن سینا* و *الحاوی زکریای رازی*، اما برخی نیز مانند *هلایة المتعلمین* اثر ابوبکر اخوینی و *الابنیه عن حقایق الادویه* به فارسی نگاشته شده که مورد نخست کهن‌ترین اثر پزشکی در زبان فارسی محسوب می‌شود. اهمیت این علم موجب شده برخی آن را به صورت نظم آموزش دهند تا جایی که آنچنان که پیش از این گفتیم، از یک نظر قدیمی‌ترین منظومه آموزشی به زبان فارسی در علم طب کتاب *دانشنامه پزشکی اثر حکیم میسری* است. از نسخه منحصر به فرد این اثر که در سال ۸۵۲ کتابت شده نخستین بار بلوشه یاد کرده و سپس ژیلبر لازار مقاله‌ای در معرفی آن نگاشته است. وی بر اساس بیت:

من این را گفتم اندر ماه شوال به شصت و سیصد و هفت آمده سال
سال سرایش را ۳۶۷ دانسته است (رک: لازار، ۱۳۸۷: ۱۹۳). در مورد این اثر نظریات مختلفی مطرح شده و برخی «سیصد» در مصرع قبل را «شصت» دانسته‌اند. به همان میزان که نظریاتی در تأیید سروده شدن این اثر در قرن چهارم وجود دارد، همان‌قدر نیز اظهارنظرهایی در مورد سرایش آن در قرن هفتم مطرح است (رک: متینی، ۱۳۵۱: ۵۹۵-۵۹۴). اگرچه برخی معتقدند شروع و رواج منظومه‌های علمی متعلق به قرن هفتم به بعد است، آنچنان که دیدیم، پیش از این قرن نیز سروده‌هایی در علوم مختلف وجود داشته، با وجود این، به عقیده نگارنده، نسبت دادن این اثر به قرن هفتم باز پذیرفتنی‌تر است زیرا قبول این که این اثر پیش از اولین کتاب فارسی در طب، یعنی *هلایة المتعلمین* سروده شده باشد، کمی دشوار است. هرچند نظم راهی برای سهولت در آموزش و کاستن از صعوبت آن است، مؤلف هنگامی به این سمت سوق می‌یابد که نگارش به نثر فارسی نیز آزموده شده باشد. بعید به نظر می‌رسد مؤلف با آن که راه نگارش به نثر فارسی را در اختیار داشته و پیش از او چنین امری انجام نگرفته به فکر آموزش طب به نظم افتاده باشد.

منظومه‌های دیگری نیز در علم طب به زبان فارسی وجود دارد؛ از جمله بدر جاجرمی به گفته دولتشاه منظومه‌های در احکام اختلاج اعضاء سروده که البته هیچ بیتی را از آن ذکر نکرده است (رک: دولتشاه سمرقندی، ۱۳۱۸: ۲۱۹). مهم‌ترین منظومه در علم پزشکی طب یوسفی و شرح آن یعنی *جامع الفوائد* است که در قرن دهم سروده شده و مؤلف رباعیات خود را که در علم طب بوده، شرح کرده است. در پایان به این نکته نیز اشاره می‌شود که علاوه بر زبان فارسی، بسیاری از منظومه‌ها به زبان عربی سروده شده ولی از آنجا که در این مقاله به منظومه‌های فارسی توجه شده است، تنها اشاره‌ای گذرا به منظومه‌های عربی می‌شود که تعداد آن‌ها نیز البته بسیار است. منظومه‌های آموزشی به زبان عربی بیشتر به صورت ارجوزه و الفیه است. ارجوزه در بحر رجز است که معمولاً در آن علوم مختلفی را به نظم می‌آورند و از جمله آن‌هاست ارجوزه‌ای در علم طب که به ابن سینا نسبت می‌دهند. الفیه نیز «منظومه‌هایی هزار بیتی یا قریب بدان که درباره علمی و بیشتر در علم نحو است» (لغت‌نامه دهخدا، ذیل «الفیه»). در علم صرف و نحو، الفیه ابن معطی و الفیه ابن مالک مشهور است که بر مورد اخیر شرح‌هایی از جمله شرح ابن عقیل نگاشته شده است. و الفیه از ابن حاجب نیز منظومه‌ای در همین علم است. الفیه ابن شحنه (متوفی ۸۱۷ ق.) در بلاغت نیز از دیگر منظومه‌های آموزشی به زبان عربی است. نگاهی به آثاری مانند *الذریعه* و *كشف الظنون*، نمایانگر حجم زیاد این آثار است که در موضوعات مختلف اصول دین، فقه، صرف و نحو، لغت، اخلاق، نجوم، طعام و شراب، علوم بلاغی و غیره سروده شده است (به عنوان مثال رک: آقابزرگ تهرانی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۱۸۹-۱۶۷). برخی منظومه‌ها نیز اگرچه نام ارجوزه ندارند، منظومه‌های علمی‌اند. به عنوان مثال قاسم بن فیره شاطبی در کتاب *حرز الامانی و وجه التهنانی فی القرائات السبع*، علم قرائت را منظوم ساخته و به مباحثی مانند ادغام، هاء کنایه، مد و قصر، همزه، نقل همزه به ساکن، اظهار و ادغام، احکام نون ساکنه، تنوین، نکره و غیره پرداخته که به نظر می‌رسد اولین شخصی است که این علم را به نظم آورده است. در باب البسمله در ذیل *سورة ام القرآن* (حمد) سروده است:

و مالک یوم الدین راویه ناصر و عند سراط و السراط قنبلا
 بحیث اتی و الصاد زاء اشمها لدی خلف و اسم لخلالد الولا
 علیهم الیهم حمزه و لیدیهمو جمعیا بضم الهاء وقفوا و موصلا...

(شاطبی، بی تا: ۲۴)

۸- انعکاس ادب آموزشی در انواع دیگر ادبی

در لابه‌لای برخی آثار، سروده‌هایی دیده می‌شود که اگرچه رنگ و بوی آموزشی دارند، آن‌چنان با خیال درآمیخته‌اند که هدف آموزشی آن‌ها کمتر حس می‌شود یا در جای محدودی از اثر آمده و نمی‌توان کل آن را از مقوله آموزشی محسوب کرد. به عنوان مثال شانزده بیت از آغاز یکی از قصاید معزی ساختار و محتوایی آموزشی دارد و یادآور قصیده ابوالهیثم است:

چه گویی اندر این چرخ مدور کز او تابد همی مهر منور
 چه گویی اندر این اجناس مردم به تصویری دگر هر یک مصور
 یکی را از شقاوت داغ بر دل یکی را از سعادت تاج بر سر
 چه گویی اندر این دو مرغ پران همه ساله گریزان یک ز دیگر

(معزی، ۱۳۶۲: ۳۱۸)

باز از همین نوع است ابیاتی از *گرشاسپ‌نامه* اسدی طوسی در وصف طبایع چهارگانه و مباحثی در عقاید فلاسفه ولی این مباحث چنان با تصویر و صور خیال و عواطف شاعر درآمیخته که کیفیت ادبی آن فراتر از نظم و آموزش قرار گرفته و نمی‌توان آن‌ها را از جرگه ادب آموزشی محسوب کرد: چنین دان که جان برترین گوهر است نه زین گیتی از گیتی دیگر است درخشنده شمعی است از جان پاک فتاده در این ژرف تاری مغاک سپهر و زمین بسته بند اوست جهان ایستاده به پیوند اوست

(اسدی طوسی، ۱۳۵۴: ۳۵)

باز از همین نوع است نام و وصف سی روز ماه و هفت روز هفته و تناسب آن‌ها با سیارات آسمانی که تا جایی که نگارنده می‌داند، نخستین بار در دیوان مسعود سعد به این شیوه آمده ولی شاعر به جای آموزش آن‌ها، برخوردی کاملاً خیال‌انگیز با آن داشته و جنبه آموزشی آن کم‌رنگ و حتی محو شده است. شاعر اغراض هنری داشته و مخاطب را به شادمانی و شادنوشی در همه روزها دعوت کرده است و از این رو، شایسته نیست این اشعار را از مقوله ادب آموزشی محسوب کنیم:

چهارشنبه بتا نوبت عطارد راست نشاط باید کرد و نیند باید خواست...
 باشد ای روی و موی و خوی تو خوب پنجشنبه به مشتری منسوب...

آدینه زهراج زهـره دارد چون آمد لهـو و شادی آرد...
 زحل وادی شنبه است ای نگار مرا این چنین روز بی می مدار...
 (مسعود سعد، ۱۳۳۹: ۶۶۸-۶۶۹)

در برخی متون عرفانی نیز اشعاری دیده می‌شود که خصوصیات آموزشی دارند. در قرن هفتم و هشتم تصوف رویکردی علمی یافت که پیامد آن در نظم و نثر منعکس شد. نمونه‌های مشهور آن را می‌توان آثار ابن عربی و شرح‌های آن به فارسی و *نفائس الفنون* علامه شمس‌الدین محمد بن محمود آملی دانست. در مورد اخیر حتی عنوان برخی بخش‌ها نیز با واژه «علم» آغاز شده است: «علم سلوک»، «علم حقیقت»، «در علم حروف»، «در علم فتوت» و غیره. برای نمونه منظوم می‌توان به *جام جم* اوحدی اشاره کرد که در بخش‌هایی از آن، هدف آموزشی بر اغراض شاعرانه برتری یافته است. وی در ترتیب موالید ثلاثه اول در صفت معدن می‌گوید:

جرم خورشید گرد پیکر خاک مدتی چون بگشت با افلاک
 آب و خاکش ز عکس تافتته شد تیش اندر دوگانه یافتته شد
 ور مساوات و وزن این دو بخار تیره باشد ز اختلاط غبار
 نام جسمی چنین حدید بود وین پس از مدتی مدید بود
 زان تمایز به مذهب هر مس جسد قلع و سرب خیزد و مس
 (اوحدی مراغه‌ای، ۱۳۰۷: ۴۱-۴۰)

باب‌های دیگری چون در صفت شیخ و مرشد، در سفر و فواید آن، در آداب و عظم، در صفت ارشاد پیر و غیره نشانگر وجه و هدف و مقصود آموزشی محض برخی از سروده‌های این کتاب است. گلشن راز شیخ محمود شبستری نیز با آن که سرشار از تخیلات شاعرانه و تصاویر است، رگه‌هایی از ادب آموزشی در آن دیده می‌شود، به‌خصوص آن که شاعر این اثر را در پاسخ به سؤالات امیرحسینی نگاشته و هدف او آموزش و تعلیم بوده است. از ابیات این منظومه است:

مرا گفستی بگو چو بود تفکر کز این معنی بماندم در تحیر
 تفکر رفتن از باطل سوی حق به جزو اندر بدیدن کلّ مطلق

حکیمان کاندرا این کردند تصنیف چنین گفتند در هنگام تعریف که چون حاصل شود در دل تصور نخستین نام وی باشد تذکر و ز او چون بگذری هنگام فکرت بود نام وی اندر عرف عبرت تصور کان بود بهر تدبیر به نزد اهل عقل آمد تفکر (شبستری، ۱۳۸۹: ۲۹)

۹- نتیجه

کارکردهایی که نظم در ایجاز کلام، سهولت یادگیری و ماندگاری بیشتر در ذهن دارد، موجب شده نظم به آموزش یاری رساند و بخش قابل توجهی از علوم مختلف در زبان فارسی به صورت منظومه‌های علمی ارائه شود. این منظومه‌ها بخشی از ادبیات تعلیمی است که مؤلفه‌هایی مانند منظوم بودن، علمی بودن، هدف آموزشی داشتن، دوری از ابهام و تأکید بر سادگی، ایجاز و قابل فهم بودن از خصوصیات آن‌هاست. دلایل سرودن این منظومه‌ها مختلف است و برخی از آن‌ها به سفارش دوستان و آشنایان و بزرگان حکومتی بوده و گاه نیز بنا به به خواست و تمایل شخصی ناظم سروده شده است. این منظومه‌ها را از منظر معقول و منقول بودن در هر دو دسته جای می‌دهند اما منظومه‌های آموزشی در علوم منقول همچون علم عروض، بلاغت و لغت بسامد بیشتری دارد. علمی مانند حکمت اسماعیلیه و عروض در دوره نخست منظوم شده است و می‌توان نخستین اثر این حوزه را قصیده ابوالهیثم در اواخر قرن چهارم دانست. بعد از قرن هفتم و سرایش *نصاب الصبیان*، ساخت منظومه‌های علمی گسترش زیادی یافت. این آثار گاه کاملاً وجهی آموزشی دارند و گاه نیز بخش زیادی از آن‌ها از این مقوله محسوب می‌شود. در زبان عربی نیز منظومه‌های آموزشی که بیشتر با عنوان‌های الفیه و ارجوزه شناخته می‌شود، بسامد گسترده‌ای حتی بیشتر از منظومه‌های آموزشی فارسی دارد.

یادداشت‌ها

* این پروژه در قالب طرح پژوهشی به شماره ۳-۹۶-۷۸۱۶ و با بهره‌مندی از اعتبارات پژوهشی دانشگاه جیرفت به انجام رسیده است.

۱- اختلاج اعضا اصطلاحی در پزشکی است که صاحب‌کشاف اصطلاحات الفنون در مورد آن آورده: «قال الاطباء هو حركة عضلانية بغير ارادة» (تهانوی، ۱۹۹۶م، ج ۱: ۱۱۷).

۲- قابل ذکر است به زبان فارسی نیز این علم به نظم درآمده که البته منسوب به شاعران محدوده مورد بررسی است. از آن جمله است صرف اللسان که منظومه‌ای است در صرف و نحو منسوب به جامی که انواع کلمه، ابواب مختلف افعال، قواعد اعلال و مباحثی از این دست به نظم بیان شده است:

کلمات عرب سه قسم بود نامشان حرف و فعل و اسم بود
 همچو بالله اقسام ای فرزندان به خداوند می‌خورم سوگوگند
 اقسام فعل، الله اسم شگرف بای داخل بر الله آمد حرف
 (جامی، ۱۳۹۱: ۳۳)

کتابنامه

ابن خلدون، عبدالرحمن. (۱۳۳۶). مقدمه ابن خلدون. ترجمه محمد پروین گنابادی. جلد دوم. تهران: بنگاه ترجمه و نشر.

ابن ندیم، محمد بن اسحاق. (۱۳۸۱). الفهرست. ترجمه رضا تجدد. تهران: اساطیر.

اسدی طوسی، ابومنصور علی بن احمد. (۱۳۵۴). گرشاسب‌نامه. تصحیح حبیب یغمایی. تهران: طهوری.

اقبال، عباس. (بی‌تا). «مقدمه». در: وطواط، رشیدالدین. حدائق السحر. تصحیح عباس اقبال. تهران: مطبعة مجلس.

امیرخسرو دهلوی. (۱۳۳۶). لآلی عمان موسوم به جواهر خسروی. به اهتمام محمد مقتدی‌خان. دهلی: بی‌نا.

انوری، علی بن محمد. (۱۳۷۶). دیوان اشعار. به کوشش محمدتقی مدرس رضوی. چاپ پنجم. تهران: علمی فرهنگی.

اوحدی، رکن‌الدین. (۱۳۰۷). جام جم اوحدی. ضمیمه سال هشتم ارمغان. تهران: فردوسی.

- آقابزرگ تهرانی. (۱۳۷۲). *مصنفات شیعه (ترجمه و تلخیص الذریعه)*. مشهد: آستان قدس رضوی.
- بهار، محمدتقی. (۱۳۸۲). *سبک‌شناسی (تاریخ تطور نثر فارسی)*. چاپ نهم. تهران: امیرکبیر.
- تهانوی، محمدعلی. (۱۹۹۶م.). *کشاف اصطلاحات الفنون و العلوم*. بیروت: لبنان ناشرون.
- جامی، عبدالرحمن. (۱۳۹۱). *صرف اللسان*. تصحیح محمد نادری. قم: دارالعلم.
- خلیلی جهانتیغ، مریم؛ دهرامی، مهدی. (۱۳۹۰). «ادبیات تعلیمی و تربیتی در شاهنامه فردوسی». *پژوهشنامه ادبیات تعلیمی*. سال سوم. شماره یازدهم. صص ۵۸-۴۱.
- دولت‌شاه سمرقندی. (۱۳۱۸). *تذکره الأشعرا*. تصحیح ادوارد براون. لیدن: بریل.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). *لغت‌نامه*. چاپ دوم. تهران: دانشگاه تهران.
- زیدان، جرجی. (۱۹۸۳م.). *تاریخ آداب اللغة*. بی‌جا: دار المکتبة الحیاه.
- سلماسی‌زاده، جواد. (۱۳۵۱). «نصاب الصبیان و تقلیدکنندگان آن». *وحید*. سال چهارم. دوره دهم. صص ۴۰۴-۳۹۷.
- شاطبی، قاسم بن فیروزه بن خلف بن احمد. (بی‌تا). *حرز الامانی و وجه التهانوی فی القرائات السبع*. مصر: مکتب جمهوری.
- شبهستری، شیخ محمود. (۱۳۸۹). *گلشن راز*. به اهتمام بهنام ابوالفتحی. چاپ سوم. تهران: مژگان.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۲). «انواع ادبی و شعر فارسی». *رشد آموزش ادب فارسی*. سال هشتم. شماره ۳۲ و ۳۳. صص ۹-۴.
- شکیبافرد، یدالله. (۱۳۸۸). «بدیع منظوم». *آینه میراث*. دوره جدید. شماره ۴۶. صص ۱۴۴-۱۳۱.
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۶۹). *تاریخ ادبیات در ایران*. جلد اول تا پنجم. چاپ دهم. تهران: فردوس.
- فراهی، ابونصر. (۱۳۷۴). *نصاب الصبیان*. شرح حسن‌زاده آملی. تهران: اسلامیه.
- قیس رازی، شمس‌الدین محمد. (۱۳۱۴). *المعجم فی معاییر اشعارالعجم*. تصحیح محمد بن عبدالوهاب قزوینی و تصحیح ثانوی مدرس رضوی. تهران: مطبعه مجلس.
- لازار، ژیلبر. (۱۳۸۷). «دو رساله پزشکی از سده چهارم هجری به زبان فارسی (هدایة المتعلمین - دانشنامه)». *ترجمه لیلا عسگری*. *نامه بهارستان*. شماره ۱۳ و ۱۴. صص ۱۹۶-۱۸۹.
- متینی، جلال. (۱۳۵۱). «درباره دانشنامه میسری». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد*. سال هشتم. شماره سوم. صص ۶۲۷-۵۹۳.
- محمودی بختیاری، بهروز. (۱۳۸۷). «نصاب انگلیسی فرهاد میرزا». *آینه میراث*. دوره جدید. سال ششم. شماره دوم. صص ۳۵۰-۳۲۴.

- مسعود سعد سلمان. (۱۳۳۹). *دیوان*. تصحیح رشید یاسمی. تهران: چاپ و نشر پیروز.
- معزی. (۱۳۶۲). *دیوان*. تصحیح ناصر هیری. تهران: مرزبان.
- منزوی، علی نقی. (۱۳۳۷). «فرهنگ‌های عربی به فارسی» (در: *مقدمه لغت‌نامه دهخدا*). زیر نظر محمد معین. تهران: دانشگاه تهران.
- منزوی، علی نقی. (۱۳۳۸). *فرهنگ‌نامه عربی به فارسی*. تهران: دانشگاه تهران.
- میسری. (۱۳۷۳). *دانشنامه در علم پزشکی*. به اهتمام برات زنجانی. تهران: دانشگاه تهران.
- ناصر خسرو قبادیانی، ابومعین. (۱۳۵۷). *دیوان*. به اهتمام مجتبی مینوی و مهدی محقق. تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل شعبه تهران.
- ناصر خسرو، ابومعین. (۱۳۶۳). *جامع الحکمتین*. به تصحیح و مقدمه فارسی و فرانسوی هانری کربن و محمد معین. تهران: طهوری.
- نظامی عروضی، احمد بن عمر بن علی. (۱۳۸۰). *چهار مقاله*. تصحیح محمد قزوینی. به اهتمام محمد معین. چاپ دوازدهم. تهران: جامی.
- وطواط، رشیدالدین. (۱۳۲۴). «یک رساله در عروض». یادگار. سال دهم. صص ۶۷-۷۱.